



ماندگاری ۵۰ ساله دلال قدرت

سم تنن هاوس

دبیر بخش نقد کتاب

در نیویورک تایمز

نیم قرن از انتشار «دلال قدرت»، نوشته رابرت کارو، اثری جاودانه از زندگی نامه رابرت موزز، معمار و نابودگر شهری، می گذرد اما این کتاب نیازی به بازنویسی ندارد. از لحظه‌ای که این کتاب چاپ شد، به گفته یکی از منتقدانی که خود استاد دانشگاه معماری شهری است، «هیاهوی تقریباً بی نظیر دلال قدرت» هیچ وقت قدیمی نشده است. ماندگاری این اثر شبیه سازه‌های عظیم موزز است؛ نقشه‌های شریانی بازسازی شده از کلان شهر نیویورک؛ بیش از ده‌ها جاده غول پیکر که شهر را احاطه کرده‌اند. ساخت ۷۰۰ برج‌هایی که بلندی آنها معادل یک ساختمان ۷۰ طبقه است، بلندمرتبه‌های لوکس با تراس‌ها و پشت‌بام‌های رنگ و وارنگ که در چند قدمی پروژه‌های مسکن‌سازی بی‌آب و رنگ ساخته شده‌اند. این خانه‌ها زندان‌هایی اند برای فقرا، به‌ویژه سیاه‌پوستان بی‌بضاعتی که موزز نمی‌خواست در زمین‌های بازی کودکان و استخرها در کنار سفیدپوستان قرار داشته باشند. همانطور که اغلب در ژانر غیرداستانی دیده می‌شود، انتخاب سوزه الهام‌بخش نوشتن کتاب می‌شود. انتخاب کارو بلندپروازانه ولی جسورانه بود. موزز سال ۱۹۷۴ همچنان زنده بود (و در ۹۲ سالگی درگذشت). مشهور ولی ناشناخته بود، بیشتر نامش به گوش رسیده بود تا اینکه دیده شده باشد. گور ویدار در یکی از تقه‌های خود در نیویورک تایمز می‌نویسد: «من هیچ ایده‌ای نداشتم او کیست» فقط سمت مبهم عضو سرپرست پارک‌ها را می‌دانستم. بسیاری از عناوین دیگر موزز (در مجموعه ۱۲ سمت او) هم کسل‌کننده به نظر می‌رسیدند: هماهنگ‌کننده ساخت و ساز شهری، رئیس اداره برق ایالت نیویورک، رئیس کمیته شهرداری در پاکسازی زاغ‌نشینان. بله، تمام اینها ملال‌آورند اما در عین حال به طرز عجیب و غریبی خصوصیات سیاست، یک گام بزرگ به جلو، مانع دوتنگ در چین را دارند. به گفته کارو، موزز تقریباً به اندازه مانو خادو کامه‌وا و نظر فرهنگی مورد احترام او شناخته می‌شد و در زدن مهر ایده‌های خود بر توسعه شهری در حالی که بر کرسی امپراطوری آمریکایی نشسته با هیچ چالشی روبه‌رو نبود. حقایق به‌خودی خود شگفت‌انگیزند. اما آنچه خوانندگان کتاب کارو را در سال ۱۹۷۴ جذب خود می‌کند و امروز هم می‌توان با آن ارتباط برقرار کرد، شرح واضح او از آنچه موزز در طی دهه‌ها انجام داده، از دهه پرونق ۱۹۲۰ تا «بحران شهری» در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ است. موزز نسبت به تمام فرمانداران و شهرداران زیرکانه‌تر عمل می‌کند تا سیاست‌هایی را به قانون گذاران دیکته کند. روزنامه‌نگاران امروز سوءاستفاده کارو در نقش یک کارآگاه را تقدیر می‌کنند. او برای این کتاب ۵۲۲ مصاحبه از جمله ۷ مصاحبه طولانی با خود موزز در ویلای تابستانی‌اش در اوک بیچ انجام داده است. کارو اولین روزنامه‌نگاری نبود که ننگ عظیم شهرهای آمریکا و ماشین سیاسی فاسد آنها را بر ملا کرد. «دلال قدرت» به افشاگران ترقی خواهی مانند لینکولن استنفز و جاکوب ریس ارجاع می‌دهد اما یک گزارشگر خوب، فارغ از اینکه چقدر قاطعانه بنویسد، به‌تنهایی نمی‌تواند ما را مثل کارو متقاعد کند که سرنوشت یک شهر به داستان یک فرد مرتبط است. بیان این استدلال به روحیه و استعداد‌های یک رمان‌نویس نیاز دارد. کاروی خبرنگار برادر دوقلوی کاروی هنرمند است. او موزز زنده می‌کند و در این سفر غیرمنتظره ما را همراه خود می‌برد. ما در کنار یک «پهودی چشم درشتی از نیویورک» هستیم که در آستانه قرن بیستم در دانشگاه ضدیهود بیل سیر می‌کند. ما با جوان ایده‌آل‌گرایی در دفتر تحقیقات شهرداری روبه‌رو هستیم که ساعت‌ها در سرازیری خیابان ریورساید درایو قدم می‌زند و در ذهن خود تصویر می‌کند که چگونه «توده‌ای از خاک و گل و لای پایین‌تر از سطح دریا» را به آبادی «پارک‌های سرسبز پر از کالسکه کودکان، تنیس‌بازان و خانواده‌های سوار بر دوچرخه» تبدیل کند. ما تنها تلاش موزز برای کسب رای در کنارش هستیم که شکستی قاطع را برای کسب سمت فرمانداری نیویورک در سال تجربه می‌کند؛ شکستی که به گفته کارو باعث شد موزز در عزم خود «نه به‌عنوان خادم مردم بلکه به‌عنوان ارباب آنها» راسخ‌تر باشد. حتی ویدال مفرور نیز تسلیم طلسم کارو می‌شود. او اعتراف می‌کند که خواندن «دلال قدرت» ۱۲۰۰ صفحه‌ای یک ماه طول کشید اما حتی یک‌بار هم صفحات باقی‌مانده را با ناراحتی ورق نمی‌زند. یکی از دلایل آن داستانی است که کارو تعریف می‌کند. دلیل دیگر نثر فریبنده اوست، جملات تکراری مثل پل‌هایی که موزز ساخته، به‌یکدیگر متصل شده‌اند، عبارت به عبارت، بند بر بند، روی یکدیگر بالا می‌روند که همگی با ریتم‌های دقیق صدای کارو در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. تم اصلی «دلال قدرت» نیویورک به‌مثابه روم مدرن است که از سوی حاکمان امپراطوری خود به‌سمت افول کشیده شده است.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

جولیان زلیزر، استاد تاریخ و روابط عمومی دانشگاه پرینستون است. زلیزر در گزارشی در فارن پالیسی درباره کتاب «دلال قدرت» اثر رابرت کارو که ۵۰ سال از انتشار آن می‌گذرد، می‌نویسد که خواندن آن می‌تواند بر تصمیم‌رای دهندگان برای رای به نامزد منتخب خود تأثیر بگذارد. او می‌نویسد که «دلال قدرت» این سوال را مطرح می‌کند: رای دهندگان به چه کسی می‌توانند اعتماد کنند که قدرت را به‌دست بگیرد؟ کتاب رابرت کارو درباره رابرت موزز، معمار و شهرساز آمریکایی است که بدون اینکه در هیچ انتخاباتی شرکت کند به قدرت می‌رسد و با اعمال نابرابری نژادی در ساخت بزرگراه‌ها و پل‌های شهری در شکل‌گیری فرم امروزی نیویورک تأثیر گذاشته است. کارو برای نوشتن این کتاب با صدها نفر گفت‌وگو کرده و پرونده‌های بسیاری را بررسی کرده که هیچ وقت در دسترس عموم قرار نمی‌گیرند. «دلال قدرت»، کتابی به‌سبک کلاسیک مدرن شناخته می‌شود که از سوی انتشارات پرچسته Modern Library، به یکی از ۱۰۰ کتاب برتر غیرداستانی در قرن بیستم انتخاب شده است.

گیلبرت کروز، دبیر بخش نقد کتاب نیویورک تایمز در یادگستی به کارو می‌گوید، ماندگار شدن ۵۰ ساله این کتاب امری منحصر به‌فرد است. به گفته کروز، بسیاری از زندگی‌نامه‌ها، کتاب‌های تاریخی و غیرداستانی مثل «دلال قدرت» ماندگار نمی‌شوند. کارو در پاسخ می‌گوید که مردم به قدرت علاقه‌مندند. قدرت موزز هم ویژه بود و هم بدون چالش. کارو می‌گوید: «ما در نوعی دموکراسی زندگی می‌کنیم که فکر می‌کنیم قدرت از طریق رای‌های ما در صندوق‌های رای اعطا می‌شود. اما (موزز) مردی بود که هیچ وقت در انتخابات رای نیاورد و ۴۴ سال، یعنی تقریباً نیم قرن در قدرت باقی ماند.» کارو در ادامه می‌گوید: «باید بگویم زمانی که نوشتن این کتاب را آغاز کردم، فکر نمی‌کنم شهرداران و اعضای شوراهای فرمانداران آگاهی حقیقی از اینکه این قدرت از کجا به‌دست آمده، داشتند.»

رابرت موزز که ۲۰ جولای ۱۹۸۱ از دنیا رفت، یکی از قدرتمندترین نیویورکی‌هایی بود که با سمت‌هایی که در دفاتر شهری و ایالتی داشت، تحولی را در منظره نیویورک امروزی ایجاد کرد. تحت نظارت او شبکه‌ای از ۲۵ بزرگراه، ۱۲ پل و پارک‌های متعدد، مرکز هنرهای نمایشی لینکولن، استادیوم شلی (که دیگر وجود ندارد)، بسیاری از پروژه‌های ساخت مسکن، ۲ سد هیدروالکتریک و نمایشگاه جهانی نیویورک در

مسترکلاسی برای سیاست‌ورزی

درباره کتاب دلال قدرت که رابرت کارو ۵۰ سال پیش نوشت

سال ۱۹۶۴ ساخته شدند. او همچنین در ساخت مجموعه سازمان ملل در نزدیکی رودخانه شرقی نقش اساسی داشته است.

جولیان زلیزر در فارن پالیسی می‌نویسد، حدود ۵۰ سال پیش، رابرت کارو، یکی از تأثیرگذارترین آثار خود در ژانر غیرداستانی معاصر در تاریخ ایالات متحده یعنی «دلال قدرت» را منتشر کرد. کارو در روایتی جذاب و خواندنی، خوانندگان را به زندگی رابرت موزز قدرتمند، می‌برد؛ بوروکراتی که بدون رای انتخاب شد و به‌صورت قدرت سیاسی راه یافت و از اقتدار خود برای بازسازی شهر و فضاها، اطرافش استفاده کرد که اغلب به‌زیربنه خانواده‌های کارگرانی تمام شد که مقابل جاه‌طلبی‌های او می‌ایستادند.

این کتاب برچسته که در سال ۱۹۷۵ جایزه پولیتزر را دریافت کرد، همچنان مسترکلاسی در سیاست محسوب می‌شود. در دوران همه‌گیری کووید-۱۹، از آنجایی که قفسه‌های کتاب در خانه‌ها و ادارات به‌سبب زمین‌تلویزیون تبدیل شدند، به‌طور مرتب به این کتاب هزار و ۲۴۶ صفحه‌ای اشاره شده است. دانا رابینستاین، خبرنگار اشاره می‌کند: «برای جلوه کتاب به‌نحوی چشمگیر باید نشان داد که شما هم درک می‌کنید که سیاست هم در مشکلات و هم در وعده‌هایش چگونه عمل می‌کند.»

رؤسای جمهوری آمریکا اثر این کتاب بر حرفه‌شان تقدیر کرده‌اند. زمانی که باراک اوباما به رابرت کارو مدال «علوم انسانی ملی» را اعطا می‌کرد، گفت: «به رابرت کارو فکر می‌کنم و خواندن «دلال قدرت» در زمانی که ۲۲ ساله بودم و چقدر فریفته‌اش شده بودم و مطمئنم به‌شکل‌گیری طرز فکر من درباره سیاست کمک کرد.»

امسال، شیفتگان «دلال قدرت» پنجاهمین سالگرد انتشار آن را با به‌نمایش گذاشتن مصاحبه‌هایی با نویسندگان و نمایندگان خبره‌کننده در موزه «جامعه تاریخی نیویورک» جشن گرفتند. حالا در صورتی که رای‌گیری برای انتخابات ۲۰۲۴ ریاست‌جمهوری آمریکا شروع شده، این ارزش را دارد که پیام این کتاب را به رای‌دهندگان درباره اثر عمیقی که شخصیت اخلاقی و رفتاری کسی که در قدرت است می‌تواند بر زندگی شهروندان داشته باشد، بازگو کرد. با اینکه اثر کارو حول محور یک مقام از نیویورک می‌چرخد که هیچ وقت حتی یک رای هم کسب نکرده، یافته‌ها از زندگی رابرت موزز را می‌توان به تمام سطوح دولت، از

جمله رئیس‌جمهور بعدی ایالات متحده، مرتبط دانست. رابرت کارو، یک نیویورکی اصیل و فارغ‌التحصیل دانشگاه پرینستون است که پس از سال‌ها تقویت مهارت‌های روزنامه‌نگاری تحقیقی، کتاب «دلال قدرت» را نوشت. او در روزنامه نیویورکی Newsday، از دبیر بازنشسته خود، آلن هاتوی یاد گرفت چگونه داده‌ها را مثل یک کارآگاه بررسی و روایت واقعی پشت‌پرده را پیدا کند. هاتوی به کارو می‌گوید: «فقط یک چیز را به‌یاد داشته باش: تمام صفحات را ورق بز. هیچ چیز را فرض نکن.» این قرائت به نام مستندی درباره کارو و آخرین دبیرش، رابرت گاتلیب در سال ۲۰۲۲ تبدیل شد. هر چقدر کارو به عمق سیاست‌های نیویورک ورود می‌کند و درباره دست مخفی موزز بیشتر کشف می‌کند، شاهکار برجسته‌تری را خلق می‌کند.

از زمان انتشار این کتاب در سال ۱۹۷۴، «دلال قدرت» چندین نسل از خوانندگانی را تحت تأثیر قرار داده که درک کرده‌اند به‌عش افراد برای رسیدن به قدرت بی‌می‌برند و درک می‌کنند ساختار یک شهر و ایالت بر اساس تبعیض‌های نژادی و طبقه‌ای مردم چگونه در شکل‌گیری آن تأثیر دارند. پیست بودچ، وزیر حمل و نقل سال ۲۰۲۱ درباره طراحی بزرگراه‌ها می‌گوید: «اگر بزرگراهی با هدف تقسیم محله سفیدپوستان از سیاه‌پوستان ساخته شود یا اگر زیرگذری در نیویورک آنقدر سقف کوتاهی داشته باشد اتوبوسی که کودکان اکثر سیاه‌پوست یا پورتوریگویی را به ساحل می‌برد، نتواند از آن عبور کند، قاعدتاً ایده‌های نژادپرستانه در انتخاب طراحی آن‌ها به‌کار گرفته شده‌اند.» این اظهارات در تایید یکی از شواکه‌کننده‌ترین بخش‌های کتاب است که کارو می‌نویسد موزز چگونه پل‌هایی که در بزرگراه Southern State Parkway ساخته که عمداً سقف کوتاهی دارند تا اتوبوس‌ها نتوانند تردد کنند و بسیاری از ساکنان سیاه‌پوست این منطقه از دسترسی به ساحل محروم شوند.

نوشتن این کتاب که تقریباً ۷ سال طول کشید، به‌قدرت رسیدن موزز را با جزئیات خیلی دقیقی بیان می‌کند. موزز که در نیو هیون به‌دنیا آمد و در نیویورک بزرگ شده پس از اتمام تحصیلاتش در دانشگاه‌های ییل، آکسفورد و کلمبیا، برای موفقیت در شهرداری و در سطح دولت ایالتی تلاش کرد. آرزوی موزز در ابتدا،

